

تکرار فراز و فرود در پرونده آرمان

پرونده آرمان، پسری که به اتهام قتل غزاله رنجناز زیادی به پا کرد و تا یک قدمی طناب دار رفت بار دیگر در نوبت رسیدگی در دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت. در حالی که زندگی و مرگ آرمان در دست اولیای دم قرار داشت عدول دو نفر از قضات رسیدگی کننده از رأی صادرشان به چند فرصتی دوباره در اختیار آرمان قرار داد اما اعتماد به جایگاه قضایی را خدشه دار کرد.

به گزارش جوان، ۱۲ بهمن سال ۹۲ اعضای خانواده دختری به نام غزاله گم شدن او را به پلیس خبر دادند. تحقیقات مأموران پلیس اگاهی نشان داد که او آخرین بار با پسر مورد علاقه‌اش آرمان تماس داشته‌است، بنابراین این پسر ۱۸ ساله به عنوان مظنون اصلی بازداشت شد و سپس به قتل اعتراف کرد. آرمان گفت: من و غزاله در سفری که همراه خانواده‌هایمان به ترکیه داشتیم آشنا شده و بعد به از تباط پنهانی مان ادامه دادیم، مدتی که گذشت غزاله تصمیم به ترک رابطه گرفت. روز حادثه در حالی که پدر و مادرم خانه نبودند، غزاله راه خانه‌مان در خیابان میرداماد دعوت کرد. البته برادر خردسالم خانه بود که او را به اتاقی بردم و سرگرم کردم. بعد به اتاقم برگشتم و درباره ادامه رابطه با غزاله حرف زدم که کار مان به مشاجره کشید. وقتی مشاجرمان بالا گرفت کنترل مرا از دست دادم و دست به میله بارفیکس بردم و



پسر شرور به زندان و پرداخت دیه محکوم شد

پسر شرور که به خاطر چشم در چشم شدن با مردی رهگذر در یکی از پارک‌های جنوب تهران وی را به قتل رسانده بود، به پرداخت دیه و زندان محکوم شد.

به گزارش جوان، چهارم تیرسال ۹۷ مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی آباد از درگیری خونین در یکی از پارک‌های محل با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد چند پسر جوان با هم درگیر و در این درگیری پسر ۲۵ساله به نام رضاز ناحیه باز خمی و به بیمارستان منتقل شده‌است. با تحقیق از شاهدان حادثه مشخص شد ضارب پسر جوانی به نام داوود است که بعد از درگیری به مکان نامعلومی گریخته‌است. تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه از بیمارستان خبر رسید رضایر اثر بر زنده‌شدن سفیدران شدت خونریزی فوٓت کرده است. به این ترتیب پرونده با موضوع قاتل عمد در دستور کار قرار گرفت تا اینکه یک هفته بعد حادثه داوود شناسایی و بازداشت شد.

متهم به پلیس اگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او در اظهاراتی به جرمش اقرار کرد و در شرح حادثه گفت: رضایر نمی‌شناختم. آن روز همراه دوستانم برای تفریح به پارک پردیس بودیم. بعد از خوردن مشروب در حال استراحت بودیم که رضایز کنار ما رد شد. او حین راه رفتن نگاه چپ کرد. از آنجاییکه حالت طبیعی نداشتم

عصبانی شدم و اعتراض کردم. همین باعث درگیری بین ما شد. ناگهان رضایر ایستاد و گفت: قبول دارم با متهم درگیر کردم. می خواستم جاقو را از دستش بگیرم که در این بین جاقو ناخواسته پای او بر خورد کرد. با اقرارهای متهم، وی بعد از بازسازی صحنه جرم روانه زندان شد و پرونده بعد با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در شعبه چهارم دادگاه پای میز محاکمه قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص از متهم شد. در جایگاه ایستاد و گفت: قبول دارم با متهم درگیر شدم اما قتل او عمدی نبود. مقتول را نمی‌شناختم و با هم خصومتی نداشتم. آن درگیری و قتل هم اتفاقی بود. من به خاطر حمله مقتول با جاقو مجبور شدم از خودم دفاع کنم که این حادثه رقم خورد. . بشیمتامن و از اولیای دم و دادگاه تقاضا دارم جرمم را بیاور کنند و در خواست گذشت دارم. در پایان هیئت قضایی با توجه به دفاعیات متهم و مدارک در پرونده وی را از قتل عمد تبرئه و به اتهام قتل ششبه عمد به پرداخت دیه و زندان محکوم کرد. پرونده با اعتراض اولیای دم در دیوان عالی کشور نیز تحت رسیدگی قرار گرفت.اما متهم بار دیگر از قصاص تبرئه و حکم پرداخت دیه و زندان تأیید شد.

سقوط از چهارپایه جان مرد میانسال را گرفت

مرد میانسال که برای نصب دوربین مداربسته روی چهارپایه رفته بود از روی آن سقوط کرد و جان باخت. به گزارش جوان سرهنگ قیاد خنجری، فرمانده انتظامی شهرستان پاکدشت گفت: روز گذشته به مأموران پلیس خبر رسید که حادثه‌ای مرگبار در یکی از محله‌های خاتون آباد اتفاق افتاده‌است. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که مردی ۶۰ساله هنگام نصب دوربین مداربسته از روی چهارپایه سقوط کرده و جانش را از دست داده است. سرهنگ خنجری گفت: جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

مردی که در جریان اختلاف میلیاریتی با برادرزاده‌اش سه آدم‌ربا اجیر کرده بود، بار دیگر تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش جوان، تیرسال گذشته بود که شهروندی با اداره پلیس تهران تماس گرفت و حادثه آدم‌ربایی را در بزرگراه امام علی(ع) اطلاع داد. وی گفت: در بزرگراه امام‌علی در حال رانندگی به طرف رستورانم بودم که دیدم مردی در ترافیک بزرگراه در خودروی ۲۰۶ را باز کرده و قصد دارد خودش را به بیرون پرتاب کند. این در حالی بود که او مرد دیگر هم او را داخل خودرو کتک می‌زدند که همراه تعدادی از راننده‌های عبوری به کمکش رفتم و سر نشینان خودروی پژو هم با دیدن ما، او را رها کردند و به سرعت از محل گریختند و ما موفق شدیم مرد جوان را از دام آدم‌ربایان نجات دهیم.

با اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس راهی محل شدند که در یافتند گروه گان که مر جوانی به نام احمد است، دو ساعت قبل از سوی سه مرد ناشناس ربوده شد، در نهایت با کمک راننده‌های عبوری نجات پیدا کرده است. شاکي در توضیح ماجرا گفت: چند سالی است فروشگاه مواد غذایی را با عمومیم به صورت شریکی اداره می‌کنیم و کارهای مالی فروشگاه هم به عهده من است. اوایل امسال پس از حساب و کتاب مالی فروشگاه، عمومیم مدعی شد که یک میلیارد و ۰۰۰میلیون، عمومیم مدعی آورده‌ایم و گفت این یک میلیارد و ۰۰۰میلیون تومان را من برداشت کرده‌ام و باید از حساب من کم شود. چندباری همه فاکتورها را بررسی کردم و دیدم هیچ مشکلی ندارم، اما عمومیم همچنان بر ادعای خود پافشاری می‌کرد که به جمع قضایی شهید بهشتی رفتم و از عمومیم شکایت کردم و قرار شد قضای کارشناسی را برای بررسی مشخص و نتیجه اعلام کند. ■ **عمومیم آدم‌ربایان را اجیر کرده بود** وی ادامه داد: پس از این من با عمومیم اختلاف

پنج‌ضربه به سرش زدم که کشته شد. سپس آثار خون را از روی میله پاک کردم. مانده بودم با جسد چه کنم. غزاله اندامی کوچک داشت بنابراین با چند کیسه زباله بزرگ جسدش را پوشانده و داخل چمدان مسافرتی گذاشتم. سپس به سمت خیابان حرکت کردم و جسد را داخل سطل زباله انداختم و با چمدان خالی به خانه برگشتم و آثار به جا مانده خون را از بین بردم تا اگر پلیس راهی به خانه‌مان پیدا کرد چیزی دستگیرش نشود. تحقیقات پلیس در شاخه دیگری از بررسی‌های برای کشف جسد به جریان افتاد اما بررسی‌ها در این باره ثمری نداشت و پس از گذشت یک ماه از زمان با بررسی دوربین‌های مدارسته تصاویر آرمان و چمدان را در دو مرحله رفت و برگشت به خانه به دست آوردند. مأموران پلیس همچنین روی میله بارفیکس، چمدان و پرزهای فرش اتاق آرمان قطر‌های خون پیدا کردند که نشان داد متعلق به غزاله است.

با کامل شدن تحقیقات در این باره باز پرس آرمان را به اتهام قتل عمد مجرم شناسخت و پزشکی قانونی هم اعلام کرد که او هنگام ارتکاب جنایت مسئولیت ارتکاب جنایتی که مرتکب می‌شده را در ک درک داشته، بنابراین پرونده در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران در نوبت رسیدگی قرار گرفت. در جلسه رسیدگی به پرونده اما آرمان

حجواد است

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

حرف‌هایش را تغییر داد و گفت که قتل را قبول ندارد. او گفت: قبول دارم که غزاله فوت شده اما من او را به قتل نرساندم. وقتی غزاله خواست خانه را ترک کند تصمیم گرفت از راه پله از ساختمان خارج شود که از روی پله سقوط کرد و به پاگرد افتاد. من که ترسیده بودم مرگ او به گردن من بیفتد، جسد را به داخل خانه بردم و با چمدان آن خارج کردم. دفاعیات متهم اما از سوی هیئت قضایی پذیرفته نشد و آرمان به مرگ محکوم شد. رأی دادگاه با اعتراض اولیای دم در دیوان عالی کشور بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. برای چند تالش‌های بسیاری برای نجات آرمان به جریان افتاد اما اولیای دم گفتند که خواستهای جز قصاص آرمان ندارند. آنها گفتند در صورتی که آرمان حقیقت را بر ملا کند و محل پنهان کردن جسد را نشان دهد، حاضرند درباره سازش هفت و گو کنند. در همین حال اظهار نظر یکی از وکلای متهم در فضای مجازی، خشم خانواده غزاله را به همراه داشت. او گفت که ترم تحصیلی غزاله بعد از وقوع حادثه در دانشگاه تمدید شده‌است.متهمین به عدول قضات دادگاه از رأی صادر شده حکم قصاص را نقض کنند. با نقض رأی دادگاه پرونده این نئشان می‌دهد که احتمال زنده‌بودن غزاله وجود دارد. پدر غزاله در واکنش به این موضوع گفت: خودم بعد از حادثه به دانشگاه رفتم و برای دخترم مرخصی تحصیلی گرفتم؛ چرا که مرگ او

اجیر کردن آدم‌ربا برای ربودن برادرزاده

پیدا کردم و او از من می‌خواست از شکایتم صرف نظر کنم و یک میلیارد و ۰۰۰میلیون تومان را به او بدهم، اما من هر روز پیگیر شکایتم بودم تا مأموران دو مظنون را آزاد کردند.

■ **دستگیری یکی از آدم‌ربایان**

مأموران پلیس در ادامه تحقیقات به رد پای مرد جوانی به نام شهروز در این حادثه رسیدند که بررسی نشان می‌داد شهروز در این حادثه رسیدن هم خاله شقایق است مدتی است با عمومی شاکي هم رفت و آمد دارد. از سوی دیگر مشخص شد مدتی قبل از حساب عمومی شاکي مبلغی به حساب شهروز انتقال داده شده‌است. بدین ترتیب مأموران پلیس پس از گذشت ۹ماه از حادثه شهروز را به عنوان مظنون در آدم‌ربایی بازداشت کردند. متهم ابتدا متهم آنکر ربایی شد اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به آدم‌ربایی با همدستی دو نفر از دوستانش اعترف کرد و مدعی شد که او را عمومی شاکي اجیر کرده است.

وی گفت: محل کارم در عسولویه است و هر از گاهی برای دیدن خانواده‌ام به تهران می‌آیم، مدتی قبل یکی از دوستانم که در مغازه عمومی شاکي کار می‌کند به من گفت که اختلاف حساب با یکی از سبندگان نزدیکش خارج حساب میلیاردي دارد و دنبال کسی است که او را گوشمالی دهد که از شکایتم صرف نظر کند. او از من خواست این کار را بسرای حسابکارش انجام دهم که قبول کردم. سپس عمومی شاکي مشخصات برادرزاده‌اش را به من داد و از من خواست با اجیر کردن دو نفر دیگر او را گوشمالی بدهیم و با تهدید او از او بر گه‌ای امضاء بگیرم. به همین خاطر به دو برادر، که از دوستان دوران مدرسه‌ام بودند پیشنهاد دادم و آنها هم قبول کردند. روز حادثه از شاکي خواستیم سوار خودرو شود اما وقتی قبول نکرد او را به زور سوار کردیم و به طرف بزرگراه امام علی رفتم. که راننده‌های عبوری متوجه فریادهای کمک درباره این حادثه ادامه داد.

هم از ترس او را رها و فرار کردیم.

با اعتراف متهم و در حالی که مجتمع قضایی شهید بهشتی رأی به نفع پسر جوان داده است، قضای احسان زمانی دستور بازداشت دو همدست آدم‌ربا و عمومی سالخورده شاکي را صادر کرد. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

آدم‌ربایی و سرقت‌های سریالی مجرم سابقه‌دار در مرخصی از زندان

یکی از شاکیان دیگر که زن جوان بود، گفت: در یکی از خیابان‌های شرقی تهران برای رفتن به خانه‌ام سوار خودروی پژو ۲۰۶ شدم که راننده آن مرد جوانی بود. پس از طی مسافت کوتاهی مرد جوان تغییر مسیر داد که به اوشوکک شدم و خواستیم توقف کنند، اما راننده ناگهان جاقویی کشید و تهدید کرد هیچ حرکت نکنم. دست و پایم به لوله افتاده بود و حتی توان حرف زدن من نداشتم به اتهام سرقت لوازم داخل خودرو دوباره دستگیر و روانه زندان شده است.

صبح دیروز متهم برای بازجویی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و به جرم خود اعتراف کرد. از آنجایی که

احتمال می‌رود متهم، زنان دیگری هم به همین شیوه ربوده و اموالش را سرقت کرده باشد، برای ادامه تحقیقات و شناسایی شاکیان احتمالی به دستور قضای سهرابی در اختیار کارآگاهان پلیس اگاهی قرار گرفت.

با جاقو تهدید کرد. تازه متوجه شدم در دم مرد هوسران و سارق گرفتار شده‌ام که سعی کردم در خودرو راباز کنم و خودم را به پایین پرتاب کنم، اما هر جقدر تلاش کردم در خودرو از داخل باز نشد. در نهایت راننده در خیابان خلوتی توقف کرد و پس از اینکه مرا مورد آزار و اذیت قرار داد ملاها هم اموال گرانبه‌ترم را از من گرفت و بعد مرا به داخل خیابان پرت کرد و از محل گریخت. با طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس اگاهی به دستور قضای سهرابی، بازپرس شعبه‌نهم دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی و دستگیری متهم وارد عمل شدند. کارآگاهان در نخستین گام با چند شکایت مشابه رویه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت سارق هوسران با خودروی پژو و پراید سرقتی در پوشش مسافر کشی زنان جوان را سوار خودرو کرده و بعد با تهدید جاقو آنها را ربوده و پس از آزار و اذیت اموالش را سرقت می‌کند.



از رانندگان عبوری با حقه در خواست کمک

رانندگان عبوری وقتی برای کمک به زن و مردی موتورسوار در حاشیه بزرگراه آزادگان توقف می‌کردند، نمی‌دانستند در دام اعضای باند زورگیر گرفتار می‌شوند.

به گزارش جوان، عصر روز ۲۷ فروردین‌ماه مأموران کلانتری ۱۵۰ تهرانسر هنگام گشت‌زنی در جنوب به شمال بزرگراه آزادگان به چهارموتورسوار با پلاک‌های مخدوش مظنون شدند و موتورسیکلت‌ها را متوقف کردند. مأموران پلیس در اولین گام درباره مخدوش کردن پلاک موتورسیکلت‌ها از مظنونان که سه‌مرد جوان و یک‌دختر بودند تحقیق کردند که هیچ پاسخی به درخواست پلیس نداشتند. مأموران پلیس وقتی در بازرسی از مظنونان چند گوشی تلفن همراه سرقت شده و چند جاقو و قمه کشف کردند و آنها را به اتهام سرقت بازداشت و به کلانتری منتقل کردند.

چهار متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی از رانندگان عبوری اعتراف کردند. سردسته باند گفت: ما چاقو نهار بیچه محل و اهل شهرستان رباط‌کریم هستیم و مدتی قبل بود که باند سرقت را تشکیل دادیم. مطابق نقشه‌ای که طراحی کرده بودیم با موتورسیکلت برای سرقت راهی تهران می‌شدیم. متهم در توضیح شیوه سرقت‌شان هم گفت: من و دختر جوان با ادعای اینکه بنزین موتورمان تمام شده کنار مسیر می‌ایستادیم و از رانندگان عبوری درخواست می‌کردیم که به ما بنزین بدهند. در عضو دیگر ما هم در حالی که جاقو و قمه به دست داشتند پشت درخت‌های شمشاد کمین می‌کردند. وقتی راننده‌ای از پشت شمشادها بیرون می‌آمدند و به راننده حمله می‌کردند و پول، گوشی تلفن همراه و اموال باارزش او را سرقت می‌کردیم. بعد هم در حالی که پلاک‌های موتورهایمان را مخدوش کرده بودیم به سرعت از محل فرار می‌کردیم.

متهم ادامه داد: ساعتی قبل هم نقشه‌مان را اجرا کرده و از چند راننده عبوری به همین شیوه سرقت کردیم. بعد هم در حالی که پلاک موتورهایمان را مخدوش کرده و در حال عبور بودیم خودروی گشت پلیس به ما مظنون شد و دستگیر شدیم.

سرهنگ محمودالممیر، رئیس کلانتری ۱۵۰ تهرانسر گفت: گوشی‌های کشف‌شده از متهمان به مالباختگان تحویل داده شد. وی گفت: تحقیق برای کشف جرائم بیشتر متهمان در کلانتری ادامه دارد. سرهنگ الممیر ادامه داد: کسانی که به این شیوه در دام سارقان گرفتار شده‌اند، می‌توانند برای مطرح کردن شکایت به کلانتری ۱۵۰ تهرانسر مراجعه کنند.

سارق دستگاه تشخیص کرونا

نگهبان اخراجی بود

نگهبان اخراجی یک مرکز درمانی در شهرستان نجف‌آباد اصفهان که دستگاه تشخیص کرونا را سرقت کرده بود، بازداشت شد.

به گزارش جوان سرهنگ محمدحسین باباکلائی، فرمانده انتظامی شهرستان نجف‌آباد گفت: چند روز قبل از یک مرکز درمانی به مأموران کلانتری ۱۱ نجف‌آباد خبر رسید که سارق با سارقان قطعات ساخت‌افزایی دستگاه تشخیص مبتلایان به بیماری کرونا با که ۷میلیارد تومان ارزش داشت، سرقت کرده‌اند. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که دستگاه سرقت شده دو قطعه سخت‌افزار برای راه‌اندازی دستگاه رادیولوژی و تصویر برداری پزشکی است که از آن برای تشخیص مبتلایان به بیماری کرونا استفاده می‌شد.

در شاخه دیگری از تحقیقات تیمی از مأموران پلیس در این باره تحقیق کردند و نگهبان اخراجی این مرکز درمانی به عنوان مظنون شناسایی و بازداشت شد. مأموران پلیس در بازرسی از مخفیگاه متهم موفق شدند قطعات سرقت شده را کشف کنند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و با تشکیل پرونده در اختیار دادسرا قرار گرفت.

مرگ غم‌انگیز پسر بیچه خردسال

در نهر آب

پسر بیچه شش ساله هنگام بازی کنار نهر به داخل آب سقوط کرد و غرق شد.

به گزارش جوان، روز گذشته به مأموران پلیس شهرستان ملکان در استان آذربایجان شرقی خبر رسید که طفلی خردسال در آب غرق شده‌است. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل حادثه که نهر «خان آرخ» کنار روستای شیرین کندی بود، نشان داد پسر بیچه خردسال مشغول بازی کنار نهر آب بود که به داخل آب سقوط کرده و غرق شده‌است که جسد از آب خارج و به پزشکی قانونی منتقل شد. سرهنگ محمدتقی سلطانی، فرمانده انتظامی شهرستان ملکان گفت: تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

آگهی مفقودی

کارت هوشمند شماره ۴۹۵۶۹۲۶ کامیون باری فلزی به شماره پلاک ایران ۴۶- ۴۱۱ ع ۲۷ به شماره موتور 83M0629394 و شماره شناسی NAD45AC000004224 مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. سبزیز

آگهی مفقودی

برگ اعلام وضعیت (برگ سبیز) خودروی سواری پژو تیپ آرذی آی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۴ به شماره موتور ۴۲۷۷۲-۱۱۷۸۴۰ و به شماره شناسی ۱۳۴۵۰۹۳۵ و به شماره انتظامی ۱۵ ایران ۵۷۴ ح ۱۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. تیریز

آگهی مفقودی

سند و برگ سبیز خودرو سواری سمند ایکس ۷ به رنگ نقره‌ای - متالیک مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ایران ۹۴- ۹۹۹- ۲۹ به شماره موتور 2486128597 و شماره شناسی 70310474 متعلق به آقای صبا چوپانی فرزند مختاربه کدملی ۳۳۷۰۳۴۵۲۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. سبزیز

آگهی مفقودی

برگ سبیز، برگ کمپانی، برگ نقل و انتقالات و کارت شناسایی خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۲ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸- ۳۳۷ ه ۶۱ به شماره موتور ۰۰۵۲۱۶۷۲ و شماره شناسی S1412282979414 متعلق آقای میریاسر موسوی با کدملی ۱۵۳۳۹۶۳۵۲ مفقود گردیده و از در جه اعتبارساقط می‌باشد. البرز